

## وارثان باب عالی\*: خاطرات آینده امپراتوری



یوری باریسوف (YURI BORISOV)  
ا. م. شیر

### غرب با به آشوب کشیدن خاورمیانه به تقویت نفوذ ترکیه در منطقه کمک می‌کند

ذینفع اصلی و بالقوه روند آشوب‌زدگی خاورمیانه بزرگ و سرزمین‌های مجاور آن با الهام از غرب، اگر چه متناقض به نظر می‌رسد، اما امپراتوری عثمانی است که به طرز غیرقابل برگشتی در فراموشی غرق شده است. زیرا، همه این حوادث در داخل مرزهای مناطق تحت سیطره قبلی آن روی می‌دهند.

نیویورک تایمز با نقل سخنان یک مقام ارشد نظامی اسرائیل مبنی بر اظهار تأسف از اینکه «افکار عمومی جهان به شدت با اسرائیل مخالف است»، [می‌نویسد](#): «اسرائیل کنترل نوار غزه را به دست خواهد گرفت، اما زمان کافی برای ریشه‌کن کردن تمام نیروهای حماس نخواهد داشت». همانطور که این نشریه اشاره می‌کند، از بین بردن این سازمان تندرو، ممکن است ماه‌ها طول بکشد.

به این ترتیب، پیش‌بینی‌های تحلیل‌گران به تدریج محقق می‌شوند و نشان می‌دهند که یک عملیات نظامی با اهداف بسیار مبهم و اهداف سیاسی نامشخص، می‌تواند به سقوط کل خاورمیانه به درون یک بحران عمیق ساختاری و موارد دیگر، از جمله، خطرات زیاد برای موجودیت اسرائیل منجر شود.

The New York Times

Израиль-ХАМАС Война • ЖИТЬ Объявления Что известно Берты Фотографы Объявления реклама войны

**По мере того, как война в Газе вступает в новую фазу, Израиль сталкивается с давлением из-за гибели мирных жителей**

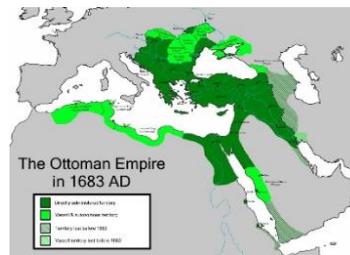
Растут опасения, что конфликт может распространиться на оккупированный Западный берег реки Иордан, где растет напряженность среди палестинцев, возмущенных смертоносными израильскими авиаударами в Газе.

متن نوشته تصویر (قسمت برجسته) با ورود جنگ غزه به مرحله جدید، اسرائیل با فشار ناشی از کشتار غیرنظامیان مواجه می‌شود

در همین حال، در خاورمیانه حداقل یک کشور به آنچه در حال رخ دادن است، به دلیل اینکه آشفتگی وضعیت نظامی-سیاسی نه در جای دیگر، بلکه، در قلمرو دولتی سابق آن روی می‌دهد، به درجاتی خوش‌بینانه می‌نگرد. و این هرج و مرج، از دیدگاه طراحان سیاست خارجی این کشور، چیزی نیست جز نابودی ساختار کنترل ژئوپلیتیکی که غرب در این سرزمین‌ها در راستای منافع خود ایجاد کرده است. احتمالاً خوانندگان حدس زده‌اند، که کشور مورد نظر ما ترکیه است.

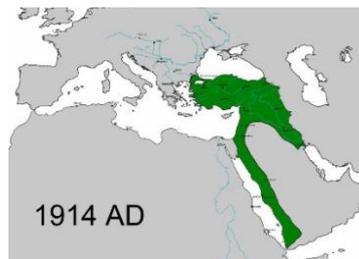
برای توضیح این نظر، به گردش کوتاهی در حوزه جغرافیای تاریخی می‌پردازیم:

نقشه اول، امپراتوری عثمانی را در دوره بزرگترین گسترش خود در قرن هفدهم نشان می‌دهد.



نقشه دوم، امپراتوری عثمانی را در آستانه جنگ جهانی اول نشان می‌دهد که در آن باب عالی، همانطور که در آن زمان نامیده می‌شد، متحمل شکست کامل شد و به صلاح‌دید فاتحان (در وهله اول، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها) تقسیم شد.

با نگاهی به این نقشه‌ها، به راحتی می‌توان نتیجه گرفت، که امپراتوری عثمانی قرن‌ها وجود داشته و متصرفات آن به تمام سرزمین‌هایی که اکنون ده‌ها کشور خاورمیانه، شمال آفریقا و جنوب اروپا در آن تشکیل شده، گسترش یافته است.



لازم به ذکر است که فلسطین کنونی، همراه با نوار غزه و کشور اسرائیل جزو قلمرو امپراتوری عثمانی بود. و این اشتباه بزرگی خواهد بود هر گاه تصور کنیم که ترک‌ها این موضوع را به کلی فراموش کرده و از حسرت قرن‌ها عظمت امپراتوری و قدرت بزرگ خود دست کشیده‌اند. بله، زمانی سرنوشت منطقه عظیمی از کره زمین که نقش مرکزی در سیاست جهانی داشت، در قصر سلطان قسطنطنیه تعیین می‌شد.

صدمین سالگرد جمهوری معاصر ترکیه که اخیراً جشن گرفته شد، نشان داد که در آنجا نیز «هیچ کس و هیچ چیز فراموش نمی‌شود» و آرزوهای ژئوپلیتیکی ترک‌ها نه به گذشته بزرگ آنها (برای مدتی)، بلکه، به باور آنها، به آینده‌ی عالی معطوف است.

سخنرانی رئیس جمهور رجب طیب اردوغان در جمع صدها هزار هوادار مشتاق را نمی‌توان چیزی جز مانیفست قدرت بزرگ ترکیه نامید. مسئله فقط در مورد فاجعه غزه نیست که با این سالگرد مصادف بود و «سلطان» با هیجان شدید در خصوص آن صحبت کرد، بلکه، بر سر این است که او این موضوع را به فرصتی برای اعلام عمومی ادعاهای امپراتوری کشورش تبدیل کرد. اردوغان علاوه بر غزه، همانطور که قبلاً بارها گفته است، **مجدداً** تقریباً تمام مناطق با شهرهای اصلی آنها را که در گذشته بخشی از امپراتوری عثمانی و یا موضوع آرزوهای توسعه‌طلبانه آن بوده‌اند، فهرست کرد.



اردوغان: ما اسرئیل را جنایتکار جنگی اعلام می‌کنیم

«جوانان نسل ما و نسل‌های پیشین، رنج‌های برادران و خواهران ما را در سراسر جهان دیده‌اند، به آنها گفته‌اند و یادآوری کرده‌اند. از کریمه تا قره‌باغ، از بوسنی تا کرکوک، از فلسطین تا ترکستان، از افغانستان تا چین، در بسیاری از مناطق جغرافیایی اشک ریخته‌ایم. زندگی ما بیهوده نبوده است.»

امروز عده‌ای غزه را مشکلی دور از ذهن تصور می‌کنند که گویا به ما ربط ندارد و متأسفانه، آشکارا در مورد آن صحبت می‌کنند. با این حال، یک قرن پیش، غزه برای مردم ما همان جایی بود که آدانا برای کشور ما بود. درست مانند ادرنه و اسکوپیه، کرکلارلی و تسالونیک، ماردین و موصل، غازیانتپ و حلب، غزه بخشی جدایی‌ناپذیر از سرزمین ما بود.

چقدر فاصله گرفته‌ایم. زمانی که به سمت یادمان شهدای چاناکالا می‌روید، از آن غافل نشوید، حتماً بروید و نام‌ها و شهرهای روی سنگ قبرها را از نزدیک ببینید. در آنجا غزه‌ای‌ها و اسکوپیه‌ای‌ها را خواهید دید که در کنار هم آرمیده‌اند، درست مانند شهدای بالاکسیرلی و شانلی‌اورفا. غزه در فهرست شهدای چاناکاله، با ۵۳ شهید از اکثر شهرهای داخل مرزهای ما بالاتر قرار دارد.

اما متأسفانه، ما را از این همه سرزمین، که به اندازه خون ما، به اندازه روح و عشق ما اهمیت دارد، جدا کردند. آنها ما را فقط از نظر فیزیکی جدا نکردند. آنها این سرزمین‌ها را به بازیچه‌های ژئوپلیتیکی تبدیل کرده‌اند تا آنها را از ذهن و قلب ما بیرون کنند. ما

درس‌هایی را که از روزهای سیاه آموختیم، از زمانی آموختیم که میلیون‌ها نفر از مردم ما جان باختند و میلیون‌ها نفر به ترک خانه‌های خود مجبور شدند، به آناتولی پناه بردند، هرگز نباید فراموش کنیم».



به نظر می‌رسد این‌ها سخنان فقط یک رؤیاپرداز سالخورده و ساکن یک قصر دارای اتاق‌های زیاد نیست. ترکیه مدرن، با تقویت بیشتر و در نظر گرفتن فرصت‌های واقعی، از جمله روش‌های نظامی-سیاسی نرم و کاملاً سخت، به ترویج فعالانه اهداف ژئوپلیتیکی خود در تقریباً تمام مناطق مورد اشاره اردوغان شروع کرده است. در هر صورت، «امپراتوری عثمانی قرن بیست و یکم» برای مردم ساکن سوریه و لیبی، دیگر فقط یک شبیح از گذشته‌های دور به نیست، بلکه با موفقیت در نقش یک بازیگر جدی در درگیری‌های محلی ظاهر می‌شود و آن‌ها را به زور اسلحه مجبور می‌کند تا منافعش را در نظر بگیرند.

از این منظر، ما معتقدیم که سیاست غرب در آشفته کردن فضاها بزرگ منطقه‌ای به «نرم شدن» ژئوپلیتیک آن‌ها منجر می‌شود و مسیر مستقیم نفوذ و شاید بازگشت کامل ترکیه را به آنجا در آینده، هموار می‌کند.



سرزمین فلسطین امروزی (از جمله اسرائیل) نیز در حوزه نفوذ ترکیه قرار دارد. اردوغان این را با عبارات روشن [چنان بیان](#) می‌کند که هیچ شکی در مورد قطعیت کامل انتخاب امپراتوری کاخ سفید فعلی باقی نمی‌گذارد:

«غزه و فلسطین در سال ۱۹۴۷ چگونه بودند، امروز چگونه هستند؟ اسرائیل، تو چگونه در اینجا پیدا شدی، چگونه به اینجا رسیدی؟ تو یک اشغالگری، یک سازمان هستی. مردم ترکیه این را می‌دانند. غرب به تو مدیون است، ترکیه نه! به همین دلیل ما تا این حد آزادانه صحبت می‌کنیم. اردوغان این را می‌گوید. زیرا، ترکیه بدهکار تو نیست. . . اما متأسفانه، همه»

کشورهای غربی مدیون تو هستند. و آنها چون به تو بدهکارند، نمی‌توانند حرف بزنند. به همین دلیل آنها به دیدار تو می‌آیند. آنها می‌آیند و طلب بخشش می‌کنند. ما چنین مشکلی نداریم، ما طرفدار مظلوم هستیم.

کسانی که دیروز برای غیرنظامیان کشته‌شده در جنگ بین اوکراین و روسیه اشک تمساح ریختند، امروز در سکوت نظاره‌گر مرگ هزاران کودک بی‌گناه هستند. اگر برای کسانی که در اوکراین مرده‌اند اشک می‌ریزید، چرا از این نوزادانی که در غزه کشته می‌شوند، صحبت نمی‌کنید؟ ای غرب، از تو می‌پرسم، آیا می‌خواهی دوباره جنگ میان هلال ماه و صلیبی‌ها را آغاز کنی؟ اگر در این گونه تلاش‌ها شرکت می‌کنی، بدان که این ملت نمرده است. این ملت بیدار است. باید بدانی که درست به همین ترتیب، با همان عزم، ما در خاورمیانه هستیم، در لیبی هستیم، در قره باغ هستیم.»

پایان این اظهارات اردوغان، آنجا که او مستقیماً و به صراحت حضور ترکیه در قره‌باغ را به رسمیت شناخت، عجیب است. یعنی از این طریق جاه‌طلبی‌های جدی در ماورای قفقاز را تأیید کرد.

به این ترتیب، «خاطرات آینده» او مستقیماً بر حوزه نفوذ روسیه و به ویژه جمهوری‌های قفقاز شمالی تأثیر می‌گذارد. روابط نزدیک رهبری کنونی ترکیه با تاتارستان، باشقیرستان و برخی دیگر از جمهوری‌ها و مناطق ملی معلوم است. بر این اساس، این سؤال پیش می‌آید که با این همه چه باید کرد؟ به ویژه با توجه به اینکه رؤیای ژئوپلیتیکی عثمانی می‌تواند در آینده به چالشی جدی برای تمامیت ارضی و دولتی کشورمان تبدیل شود.



من بر این باورم که باید از منطق توسعه تدریجی روند تاریخی حرکت کرد و بدون از دست دادن چشم‌انداز بلندمدت و احتمالاً تهدیدات موجود در آن، در سیاست واقعی باید بر وضعیت ژئوپلیتیکی در حال توسعه و برای آینده نزدیک قابل پیش‌بینی متمرکز شد.



بُعد اصلی آن، بی‌شک، تمایل ترکیه به بهبود محیط بلافصل خود، قبل از همه، خاورمیانه است. آنکارا مشکلات و نگرانی‌های زیادی در آنجا دارد که این، به تنهایی برای چندین دهه کافی است. و از آنجایی که خاورمیانه، علیرغم تغییرات جدی، همچنان عمدتاً در حوزه نفوذ آنگلساکسون‌ها باقی مانده، بعید به نظر می‌رسد که این امر با منافع روسیه در تضاد باشد (البته، در صورتی که ترک‌ها به بیراهه نروند و با مواضع روسیه در این منطقه با احترام رفتار نکنند).



با توجه به این واقعیت که آنکارا اختلافات خود با روسیه را با خویشتنداری شدید، از جمله در موضوعات کاملاً حساس درک می‌کند و در عین حال، در قبال چالش‌هایی که غرب برای ترکیه ایجاد می‌کند، همانطور که اردوغان بسیار شیوا گفت، رویکردی بسیار سخت و همه‌جانبه اتخاذ می‌کند. دلایلی وجود دارد و می‌توان بر اساس آن‌ها انتظار داشت که جاه‌طلبی‌های ژئوپلیتیک ترکیه به سمت مناسب با منافع روسیه هدایت شود.

در خصوص توسعه وقایع در بلندمدت، در اینجا ما به حوزه حدس‌ها و فرضیاتی که هیچ ربطی به سیاست عملی ندارند، وارد می‌شویم.

نقل از: [وبگاه بنیاد فرهنگ راهبردی](#)

\*- [باب عالی با باب همایون یا دیوان همایون](#) عنوان رایج دیوان وزیر اعظم عثمانی در سده‌های هجدهم و نوزدهم بود. از دیرباز به کاخ سلاطین عثمانی و بعدها به کاخ وزیر اعظم که محل اداره امور دولت و مرکز حل و فصل امور مردم بود، درگاه می‌گفتند.

۱۵ آبان-عقرب ۱۴۰۲